



پیشینه نوروز در ایران باستان

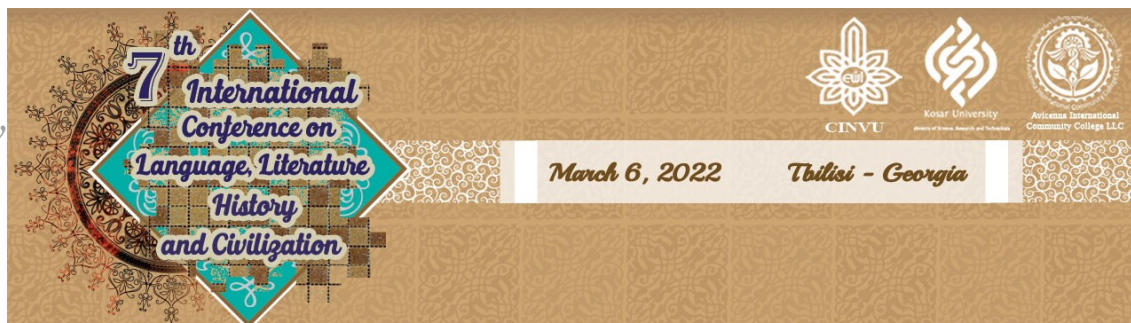
دکتر زهرا تبریزی شهروی

استادیار گروه فرهنگ و زبان های باستانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

چکیده

پیشینه نوروز و برگزاری این جشن به زمان های قبل از هخامنشیان و مادها برمی گردد، جشن نوروز با مرور زمان و تحول های گوناگون، ابعاد متعدد دینی، رسمی و سیاسی پیدا کرده است، آداب و رسوم نوروزی همه بن مایه ای کهن و دیرینه دارد. اعتقاد ایرانیان بر این بود که تقدیر انسان ها در نوروز تعیین می شود. از سه هزار سال پیش از میلاد دو عید آفرینش در ابتدای پاییز و عید رستاخیز در ابتدای بهار برگزار می شده است که به مرور این دو عید به یک عید تبدیل شد که در آغاز بهار جشن گرفته می شد، احتمالاً عید نوروز در میان بومیان فلات ایران قبل از مهاجرت آریائی ها رایج بوده است. مراسم نوروز بر دیگر اقوام و ملل نیز تاثیر داشته و جشن نوروز به عنوان جشن ملی در زمان هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان به راستی نمایانگر توجه ایرانیان باستان به این مراسم بوده است. نوروز قدیمی ترین جشن ایرانیان از گذشته های دور تا کنون است.

کلیدواژگان: نوروز، ایران باستان، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان



مقدمه

نوروز واژه ای است مرکب از دو جزء که روی هم به معنای روز نوین است. اصل زبان پارسی میانه این واژه «نوگ» روچ» یا «نوگ روز» است. بنابه نظریه ابوریحان بیرونی، نوروز نخستین روز از فروردین ماه است و از این جهت روز نو نامیده‌اند که پیشانی سال نو است. بنابر عقیده مهرداد بهار از سه هزار سال پیش از میلاد، در آسیای غربی دو عید رواج داشته است، عید آفرینش در اوایل پاییز و عید رستاخیزی که در آغاز بهار برگزار می شده است. بعدها دو عید پاییزی و بهاری به یک عید تبدیل گردیده و در آغاز بهار جشن گرفته می شود (بهار، ۱۳۷۶، ۳۳۹).

نظر بیرونی و نویسنده نوروزنامه درباره منشأ نوروز چنین است که ایرانیان عقیده داشتند که پس از آفرینش، زمین و آسمان و هر چه در آنهاست چندین هزارسال به حال سکون و بی حرکت ایستاده بودند، چون به فرمان اهورامزدا آغاز به حرکت کردند. حرکت خورشید در آن هنگام از بامداد نخستین روز ماه فروردین یا روز هرمزد و از نخستین نقطه یا دقیقه یا درجه برج حمل (برج بره) بود ولی در سال بعد که در آن روز و ساعت حرکت کرده نتوانست به آن دقیقه برسد و ناچار آغاز سال از جای خود تغییر یافت و عقب افتاد و در هر سال در درجات برج‌ها بطور قهقراپی تغییر یافت تا در یک دوره طولانی دوباره به همان روز و ساعت که در آغاز حرکت کرده بود باز آمد و این مدت ۱۴۶۰ سال طول کشید. نخستین کسی که این روز (یعنی نوروز حقیقی) را دریافت کیومرث بود و آن را آغاز تاریخ تعیین کرد و دوباره دور دوم از بامداد روز هرمزد، از نخستین درجه برج حمل و روز اول بهار شروع شد (ذکاء، ۱۳۷۹، ۱۵۷).

در اکثر داستان‌های اساطیری، پیدایش نوروز به زمان پیشدادیان نسبت داده شد و از جمشید پادشاه پیشدادی به عنوان بنیانگذار این جشن نام برده‌اند. ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه خود در مورد پیدایش نوروز نوشته که بعضی از دانشمندان ایرانی می گویند به این دلیل روز اول فروردین را نوروز می نامند، چون جمشید به پادشاهی رسیده و دین خود را تجدید کرده و چون این کار عظیمی بوده و آن روز، روز تازه‌ای بوده، جمشید عید گرفت، اگرچه قبل از این واقعه هم نوروز بزرگ بوده است.

موقعیت زمانی نوروز

سال در گاه شماری اوستایی نو دوازده ماه سی روزه دارد. نام این ماه‌ها همسان نام ماه‌های خورشیدی است که در تقویم کنونی ایران باقی مانده است. بر این دوازده ماه سی روزه باید پنج روز بهیژگی (پنجه دزدیده، خمسه مسترقه) را افزوده ربع روز که از زمان حرکت انتقالی زمان به دور خورشید باقی می ماند در طی ۱۲۰ سال بر یک ماه بالغ می شود که به صورت ماه سیزدهم بر سال خورشیدی افزوده می گردید (آموزگار، ۱۳۷۹، ۹۶). بنابراین نوروز و سال شمسی در هر دور ۱۲۰ سال در جای خود قرار گرفته و ثابت می ماند و هیچ گاه آغاز سال بیش از یک ماه جلو یا عقب نمی افتاد و اغلب حتی الامکان می کوشیدند که آغاز سال را در محل نجومی خود نگاه دارند (رضی، ۱۳۵۸، ۱۷).



نوروز در ادوار مختلف تاریخ:

نوروز در دوره هخامنشیان

آن طور که از کتیبه های دوران هخامنشی بر می آید، زمان آغاز سال نو، زمان مشخص و دقیقی نداشته بلکه متغیر بوده و دلایل آن بسیار پیچیده است. بنابر مدارک باقیمانده در سرتاسر دوران هخامنشی، زمان آغاز سال نو از ۲۱ اسفندماه تا ۱۹ اردیبهشت در نوسان بوده است (رزمجو، ۱۳۷۹، ۱۷۹). در زمان هخامنشیان، شاه، نوروز را در تخت جمشید برپا می داشت، قبل از انجام تشریفات نوروز، بزرگان شاهنشاهی و نمایندگان کشورها به تخت جمشید می آمدند و در مردودشت که در غرب تخت جمشید قرار گرفته، هزاران چادر می زدند و مراسم جشن برپا می کردند (کیوان، ۱۳۴۹، ۲۸)

نوروز در دوره اشکانیان

با کشف بایگانی های دولتی اشکانیان بر روی چوب و چرم نبشته در کوه مغ تاجیکستان و بر سفال نبشته ها که در خرابه شهر نسا (در ۱۸ کیلومتری شمال غرب عشق آباد) به دست آمده و با ترجمه و کشف رمز بعضی قسمت های آن معلوم گردید که نوروز در دوران شاهنشاهی اشکانیان و ایامی قدیمتر از دوهزار سال پیش در آغاز بهاران بوده است (حقیق، ۱۳۴۸، ۳۱۵).

از برگزاری مراسم مهرگان در زمان اشکانیان می توان فهمید که نوروز در میان عامه مردم با شکوه تمام جشن گرفته می شده است.

نوروز در زمان ساسانیان

در تمام دوران ساسانی، نوروز جشن ملی همه ایرانیان به شمار می رفته است. به همین جهت حتی مردمی که پیرو آیین زرتشت نبوده اند اما در حوزه حکمرانی ایران زندگی می کردند، مانند آرامیان مغرب ایران آن روزگار، گرجیان، ارمنیان و ملل دیگر قفقاز در آن شرکت داشته و برخی مراسم آن را در زندگی خود وارد کرده اند. حتی برخی از مراسم این جشن در مراسم مذهبی ارمنستان و گرجستان راه یافته است (کیوان، ۱۳۴۹، ۳۴).

توجهی که نوروز در دوران ساسانیان از آن برخوردار بود در موسیقی نیز منعکس است. در میان نام آهنگ های زمان ساسانی که شاعران ایرانی دوران متاخرتر منوچهری و نظامی آن ها را ضبط کرده اند، نام های نوروز و ساز نوروز، نوروز بزرگ، نوروز قباد می آید (کریستین سن، ۱۳۶۸، ۴۸۹).

تاثیر نوروز در موسیقی

آنچه امروز از موسیقی مربوط به بهار و نوروز به دست ما رسیده است به چهار گروه تقسیم می شود:



آیین نوروز خوانی

نوروز خوانی از جمله آیین‌های باستانی است که به نظر می‌رسد مضمون این آیین در قبل از اسلام، علاوه بر بشارت بهار، در ستایش اهورامزدا و در مدح شاهان بوده است. این خنیاگران از پانزده روز به عید با شعر و آواز، رسیدن بهار را بشارت می‌دادند.

ترانه‌های نوروزی

این ترانه‌ها به واسطه خنیاگران حرفه‌ای اجرا می‌شده و معمولاً از پیچیدگی بیشتری در موسیقی اجرا می‌شد. نغمه‌های «باد بهار» یا «باد نوروز» «آیین جمشید» به بارید نوازنده خسرو پرویز، منتسب شده است.

ردیف دستگاهی و موسیقی قدیم ایران

امروزه در ردیف دستگاهی موسیقی ایران، چند گوشه با عناوین «نوروز عرب»؛ «نوروز صبا» در دستگاه راست پنجگاه و همایون اجرا می‌شود که این گوشه‌ها بازمانده و تداوم یافته نمونه‌هایی در موسیقی مقامی قدیمی ایران هستند. در منظومه خسرو شیرین نظامی در فصل بارید مطرب، در ضمن ذکر ۳۰ لحن موسیقی دوره ساسانی نام «ساز نوروز» یا «یاد نوروز» آمده است (درویشی، ۱۳۷۹، ۲۸۶).

نمایش‌ها و خرده نمایش‌ها همراه با موسیقی

- کوسه برنشین: محتوی این نمایش بیرون راندن سرما و زمستان و استقبال بهار بوده است.
 - آتش‌افروز: بازیگران دوره گردی هستند که با رقص و پایکوبی، ضمن سرگرم کردن مردم، نوروز و بهار را نوید می‌دادند.
 - آتش‌باز: آتشبازان با خواندن آواز و رقص به آتش‌پردازی می‌پرداختند (درویشی، ۱۳۷۹، ۲۸۸).

نوروز کوچک و نوروز بزرگ در ایران باستان

جشن نوروز از روز هرمزد (روز اول) از ماه فروردین آغاز می‌شود، جشن نوروز فقط در روز اول فروردین ماه برپا نشده بلکه تا مدت ده روز نیز دوام داشته است. در ایران باستان در این ده روز جشن‌هایی برپا می‌شده که مهمترین آنها به شرح زیر است:

نوروز کوچک یا نوروز جمشیدی (= نوروز عامه)

نوروز کوچک از روز اول فروردین به مدت پنج روز ادامه دارد. فردوسی شاعر حماسه سرای ملی از جمله کارهای بزرگ جمشید را برپایی این عید بزرگ می‌داند:

جهان انجمن شد بر تخت او فرو ماند از فرهی بخت او



به جمشید بر گوهر افشاندند مر آن روز را روز نو خواندند

در پنج روز اول فروردین جشن نوروز یک صورت عمومی داشت، در پنج روز اول، شاه نیازهای مردم و لشکریان را بر می آورد و روز ششم را که از برآوردن نیاز و حق مردم پرداخته بود، با درباریان جشن می گرفت (تجلی پور ۱۳۴۹، ۹۵۴). به دلیل این که پنج روز اول فروردین جشن نوروز، به صورت همگانی برگزار می شد و عموم مردم به سرور و شادمانی می پرداختند، از این رو آن را «نوروز» عامه نامیده اند.

نوروز بزرگ یا نوروز خردادی

از ششم فروردین ماه (خرداد روز) نوروز، صورت خاص و درباری به خود می گرفت. از این جهت از ششم فروردین ماه، آیین و مراسم نوروز به گونه ای ویژه و درباری برگزار می شد، و آن را «نوروز خاصه» یا «نوروز بزرگ» نامیده اند.

نوروز در نزد سایر اقوام

مردم بابل از دوران بسیار قدیم، روز اول سال را، عموماً در اعتدال بهاری (۲۱ مارس) جشن می گرفتند. این زمان اول بهار و آغاز فصل نو است. زمانی که طبیعت از خواب زمستانی بیدار می شود، در حقیقت آغاز سال نو بود. از لوح ها چنین برمی آید که این جشن تقریباً از ۲۳۴۰، پیش از میلاد شناخته شده بود (کریستن سن، ۱۳۶۸، ۴۷۱). عید آغاز سال در بین النهرین (بابل و آشور) و همچنین در عیلام در اصل بازگشت ایزد شهید شونده، دموزی بود که معتقد بودند او هر سال می میرد و بار دیگر به حیات بر می گردد.

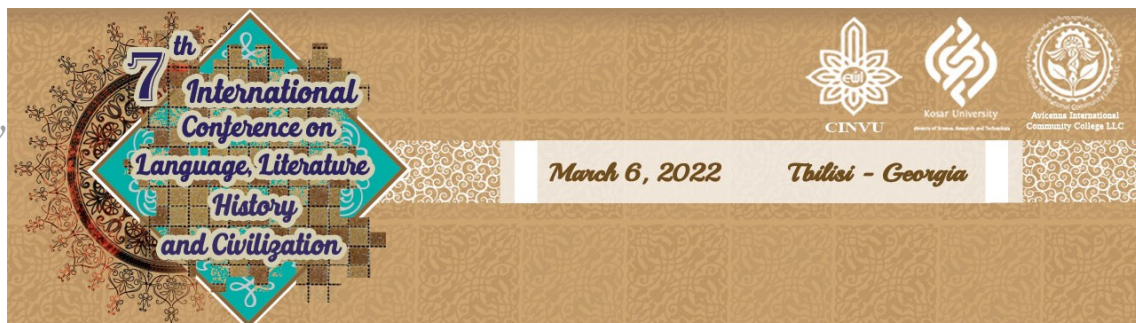
فینیقی ها در آغاز بهار، مراسمی داشتند به نام مراسم آدونیس. آدونیس یک روح گیاهی است که مرگ و بازگشت او به زندگی معرف خواب طبیعت در زمستان و احیای آن در بهار است. آدونیس از درختی به دنیا آمد و مردم روغن آن درخت را در جشن مربوط به روز آغاز سال که اول اعتدال ربیعی بوده به کار می بردند.

اسطوره و افسانه آتیس که در یونان وجود داشته شباهت زیادی با اسطوره و افسانه سیاوش دارد چه در آغاز بهار مردم پنج روز مراسمی برگزار می کردند و طی آن درخت صنوبری را کفن پوشانده به کوچه و بازار می بردند و برای آتیس گریه و زاری می کردند، سپس رقص هایی می کردند و روز آخر به شادی و استراحت می پرداختند و این به معنای رستاخیز آتیس بود. آغاز این جشن در روز اعتدال بهاری و آخرین روز آن ۲۵ مارس بوده است (همایونی، ۱۳۷۹، ۲۵۶).

نوروز و مهرگان در ایران باستان در میان مردم شبه جزیره عربستان از اهمیت خاصی برخوردار بود و در بعضی از مناطق عربستان به خصوص در بین پادشاهانی که سنن در گاه خود را بر پایه رسوم شهریاران ساسانی بنا نهاده بودند و در پیرامون خلیج فارس رواج بسیار داشت (همایونی، ۱۳۷۹، ۲۵۶).

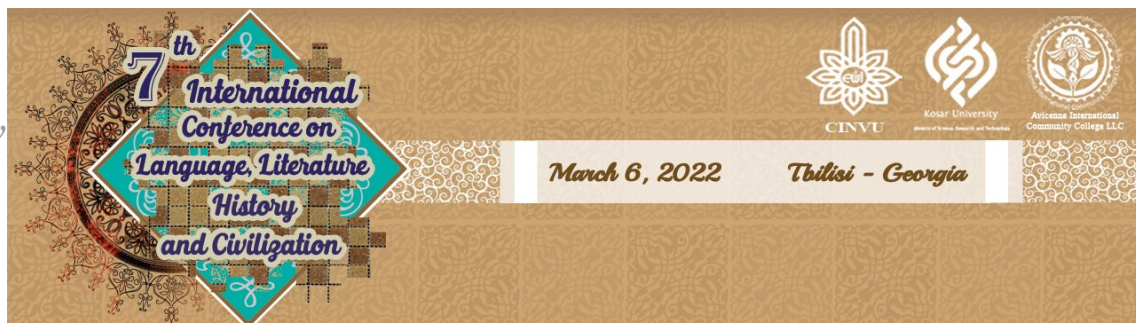


نوروز در میان ترکان نیز جشنی بزرگ بود و سغدیان آن را «نوسرد» به معنی سال نو می‌نامیدند و در آن روز از بستگان خود با شیرینی پذیرایی می‌کردند، از این روی نوروز را در ترکیه «جشن شیرینی» می‌نامند. بنابر فرضیه‌ها احتمالاً کمبوجیه دوم نوروز باستانی را به فرهنگ مصر برده و مصریان نیز در آن روز شادی کرده و آتش به پا کرده و جشن و سرور می‌کرده‌اند.



نتیجه گیری

جشن نوروز از قدیمی ترین جشن های ایرانیان از روزگار باستان تاکنون است. نوروز آغاز ماه فروردین و روز اول آن با نام هرمزد شروع می شود که بیانگر تقدس و ارزش آن است. همزمان بودن نوروز با شروع حیات مجدد زمین بیانگر اهمیت این جشن و به عبارتی پل بین گذشته و حال است. جشن نوروز در میان سایر اقوام و ملل نیز تاثیر گذاشته و اقوام و ملل مختلف به سبک و سیاق خود نوروز را جشن می گیرند. نوروز به عنوان آیینی سنتی، زمینه اتحاد و وفاق جمعی را در طول تاریخ برای ایرانیان فراهم کرده است و از آنجایی که وجه معنوی نوروز بر سایر وجوه آن برتری داشته این آیین مورد توجه مسلمانان نیز قرار گرفته و این جشن امروزه به طور کامل اجرا می شود. آنچه که در مورد جشن نوروز اهمیت دارد، این است که نوروز زمان تجدید حیات و زنده شدن طبیعت و به نوعی جشن حیات است. نوروز به عنوان جشن باستانی مهمترین جشن و آیین کهن ایرانی است.



کتاب‌نامه:

- آموزگار، ژاله، رزمجو، شاهرخ؛ درویشی، محمدرضا؛ همایونی، صادق؛ وجدانی، بهروز؛ کریمیان سردشتی، نادر؛ مزداپور، کتایون؛ قریب، بدرالزمان؛ ذکاء، یحیی؛ مدتی دانشمند، مهرداد (۱۳۷۹)، **مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز**، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، **جستاری چند در فرهنگ ایران**، تهران: انتشارات فکر روز.
- تجلی‌پور، مهدی (۱۳۴۹)، **دایره المعارف موضوعی بشر**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حقیق، فضل‌الله (۱۳۴۸)، **آیین نوروزی و میر نوروزی**، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱۹.
- رضی، هاشم (۱۳۵۸)، **گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان**، تهران: انتشارات فروهر.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸)، **نخستین انسان و نخستین شهریار**، ترجمه احمد تفضلی، ژاله آموزگار، تهران: انتشارات توس.
- کیوان، مصطفی (۱۳۴۹)، **نوروز در کردستان**، تهران: سازمان چاپ تبریز.



History of Nowruz in ancient Iran

Zahra Tabrizi Shahrovi

Ancient Culture and Languages Department, Faculty of Humanities, Hamedan Branch,
Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Abstract:

The history of Nowruz and the performance of this celebration dates back to pre-Achaemenid and Median times. Nowruz celebration has found multiple religious, official and political aspects with the passage of time and various developments. Nowruz customs have all ancient themes. Iranians believed that the destination of human beings is determined on Nowruz. From three thousand years Bc, the two Festival of creation were held at the beginning of autumn and the day of resurrection at the beginning of spring, which gradually became one festival, which was celebrated at the beginning of spring. Probably Nowruz has been common among the native plateau of Iran before the Aryan migration. Nowruz ceremony has also affected on relatives and nations. Nowruz as a national celebration at the time of Achaemenids, Parthians, and the Sassanids has presented an ancient Iranian attention to this ceremony. Nowruz is the oldest Iranian festival from the long time ago until now.

Keywords: Nowruz, Ancient Iran, Achaemenids, Parthians, Sassanids.